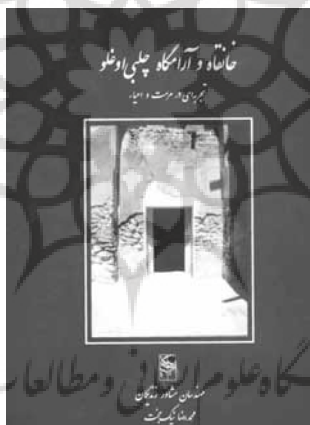


آرامگاه چلبی اوغلو

مرمت و احیاء

محمد رضا کاظم زاده



خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو
محمد رضا نیکبخت و همکاران
(گروه مهندسان مشاور زندیگان)
انتشارات گنج هنر، ۱۳۸۸

مقدمه

اثر حاضر با عنوان «خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو» تجربه‌ای در مرمت و احیاء این مجموعه‌ی تاریخی و گزارشی از مطالعات؛ طرح‌ها و مداخله‌های صورت گرفته در این مجموعه در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ خورشیدی است. بررسی کتاب نشان می‌دهد که مؤلفان در پی ارائه‌ی روش نظام‌مند برخورد با یک اثر تاریخی از خلال شرح فرآیند مرمت و احیای مجموعه خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو در سلطانیه است. مؤلفان همچنین تلاش کرده‌اند تجربه‌ای موفق در زمینه‌ی مرمت و احیای بناهای تاریخی در ایران و نکاتی ضروری و خاص که می‌توان در این زمینه‌ی کاری افراد را متوجه آنها کرد، ارائه دهند. کتاب بخش نخست خود را با عنوان «شناخت» در چهار گفتار و

بخش دوم را در سه گفتار شکل داده است. گفتنی است گفتار پایانی بخش اول و گفتار بخش دوم حلقه‌های ارتباطی این دو قسمت است. آنچه در این اثر ابتدا خواننده را به آن توجه می‌دهد، شناخت دقیق اثر و زمینه‌ی مرتبط با آن است. بخش مهمی از شناخت مستقیماً به شناخت کالبد و نیز روح بنا مربوط است. شناخت دقیق طرح و الگوی بنا، و مطالعه‌ی اجزا آن در همه‌ی سطوح با استفاده از دو شیوه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و تاریخ شفاهی است. در این بین توجه به زمان و شناخت بنا در مقاطع مختلف تاریخی امری لازم بوده و از نتایج آن می‌توان به آگاهی از بخش‌های تخریب و مخدوش شده و دستیابی به دوره‌های ساختمانی، تغییرات کارکردی بنا و... اشاره کرد. بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خانقاه چلبی اوغلو در روند

مطالعه گنجانده شده است. هم‌چنین مطالعه‌ی هدفمندی با توجه به اینکه هر بنایی با محیط پیرامون خود تعریف می‌کند، به شهر سلطانیه اختصاص یافته است. مرحله‌ای که در ارتباط با دو جنبه‌ی موضوعات کالبدی و مسائل غیرکالبدی همبسته و ارتباط متقابل بنا و بستر بررسی می‌شود. گفتارهای اول و دوم مباحث فوق را دربر می‌گیرد. حاصل پژوهش‌های مورد بحث، دسترسی به ارزش‌های بنا می‌باشد که در گفتار سوم خوانده می‌شود.

با عنایت به اینکه رفع آسیب‌های بنا موضوع کار مرمتی است، بنابراین ابتدا شناخت دقیق صدمات وارد شده به بنا و عوامل ایجاد آن‌ها ضروری است. این بررسی در گفتار چهارم کتاب پی گرفته می‌شود چنان‌چه با شناخت صدمات هر یک از اجزا بنا آغاز و با نتیجه‌گیری از آنها به دسته‌بندی آسیب‌ها و عوامل آسیب‌رسان در کل مجموعه ختم می‌شود.

نویسندگان در بحث درمان، نخستین گام را رویکردهای صحیح درمانی دانسته، به گونه‌ای که در مرحله‌های بعدی راه‌کارهای اجرایی در تطابق با آن‌ها انتخاب می‌شوند. این رویکردها و معیار گزینش آنها گفتار نخستین بحث درمان را شکل می‌دهد. در گفتارهای دوم و سوم این بخش، با ارائه‌ی مبانی نظری در هر دو بخش مرمت و احیاء به شرح اقدامات صورت گرفته و در این مجموعه پرداخته شده است. در انتخاب نمونه‌ها از عملیات مرمتی نیز به این نکات توجه شده است:

عملیات ارائه شده، مسایل گوناگون مرتبط با یک بنای آسیب‌دیده را پوشش دهد، اقدامات صورت گرفته در قسمت‌های مختلف بنا را به نمایش بگذارد و با ارایه‌کردن نقشه‌های جزئیات اجرایی همراه با تصاویری از بنا جنبه‌ی آموزشی را مورد توجه قرار دهد، ضمن آنکه از شرح عملیات تکراری تا حد ممکن اجتناب شود. گفتار پایانی هم به طرح احیاء در دو بخش برنامه‌ریزی و طراحی

اختصاص یافته و نشان داده می‌شود که طراح چگونه باید در راستای مبانی نظری احیاء به گستره‌ی وسیعی از اقدامات طراحانه بپردازند.

بخش اول: شناخت زمینه‌های اجتماعی - تاریخی بنا و بستر

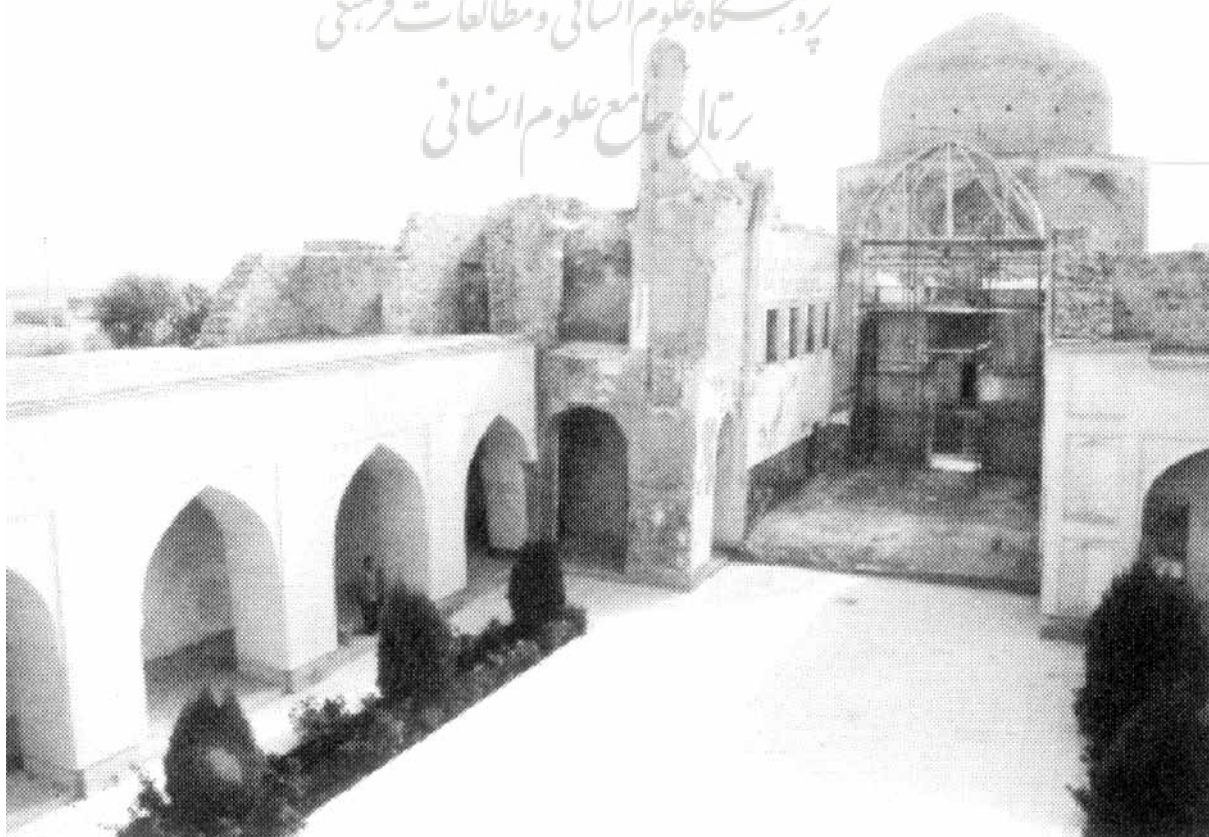
ابتدا بحث مؤلفان به شناخت زمینه‌های اجتماعی - تاریخی بنا و بستر آن معطوف شده و سیر تاریخی شهر سلطانیه و سپس اطلاعات تاریخی بنا و هویت شخص مدفون در آرامگاه و تاریخ ساخت مجموعه مد نظر قرار گرفته است. چنان‌چه براساس فرضیه‌هایی که مطرح می‌شود دوره‌های ساخت مجموعه این گونه خلاصه شده است که: خانقاه اولیه در دوره‌ی ارغون احداث شده و پس مرگ شیخ براق در گیلان، جسد وی به سلطانیه منتقل و در جبهه جنوبی این خانقاه دفن و آرامگاه کنونی نیز بر روی آن ساخته شده است. در اواخر دوره‌ی اولجایتو، چلبی اوغلو در سلطانیه حضور داشته و خانقاه فعلی را در محل خانقاه اولیه و در کنار آرامگاه احداث کرده است. با این فرض می‌توان گفت که انتساب مجموعه به چلبی اوغلو، نه به دلیل دفن در آرامگاه که به دلیل احداث خانقاه مولویه در این محل بوده است. (ص ۱۴)

شناخت ویژگی‌های کالبدی بنا و بستر

با طرح شناخت بستر، گمانه‌زنی‌ها در مورد طرح مجموعه بررسی شده است. تخریب بخش عمده‌ی خانقاه چلبی اوغلو، روشن کردن آن به مثابه خانقاه و گمانه‌زنی و مطالعات میدانی بر روی بقایای ساختمانی، در شناخت طرح و معماری بنا کمک مؤثری بوده است. به باور مؤلفان در این راه مطالعه‌ی مدارس یا خانقاه‌های مشابه که تقریباً به‌طور همزمان در گستره‌ی مکانی مشترک به لحاظ فرهنگی ساخته شده‌اند، علاوه بر شناخت بهتر طرح و مکان‌یابی فضاها، شرایط بررسی نحوه‌ی کالبد بخش‌های تخریب شده را فراهم کرده است. به بیانی می‌توان گفت دسترسی به انواع ایده‌ها و راه‌حل‌ها در طراحی بخش‌های اصلی این بناها، اهداف این بررسی و

خانقاه چلبی اوغلو سلطانیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مطالعه بوده تا به وسیله‌ی آن امکانات طراحی در رابطه با عناصر ساختاری این قسمت از بنای چلبی اوغلو به دست آید.

چکیده‌ای از این مطالعات در ادامه‌ی مطلب آورده شده است. آنچه در تحلیل بنای خانقاه دیده می‌شود، تعلق داشتن کلیت معماری این مجموعه را به نظام معماری سده‌های هفتم و هشتم منطقه‌ی آناتولی تا حدی روشن می‌سازد. مؤلفان با اشاره به این نکته که بررسی آثار معماری در این منطقه، مشخص می‌کند که تقریباً تمام بناهای مشابه نیز گنبدهایی با فرم رُک دارند، با اتکا به این استدلال امکان طرح فرضیه‌ای در مورد فرم گنبد بنای آرامگاه مطرح می‌شود که همان رک بودن گنبد آرامگاه است. یعنی آنچه از گنبد بر جای مانده به پوسته‌ی خارجی و رک آن که پوسته‌ی داخلی گنبد است. البته این بحث تنها در حد یک فرضیه دانسته شده است.

تحت عنوان «الحاقات و دوره‌های ساختمانی بنا» آثار ساختمانی موجود در مجموعه‌ی خانقاه به سه دوره‌ی بقایای ساختمانی متعلق به پیش از زمان ساخت بنای اصلی، آثار مربوط به بنای اصلی و الحاقات بعد از آن تقسیم شده است. بررسی قسمت‌های بنا و تعیین و تخمین دوره‌ی ساخت هر بخش، خواننده را با قسمت‌های اصیل (متعلق به بنای اصلی خانقاه) و غیر اصیل (الحاقات بعدی) و دیگر اجزای تاریخی موجود در محوطه آشنا می‌کند. این آشنایی می‌تواند نقش مهمی در تعیین سیاست‌های درمانی در رابطه با هر بخش داشته باشد. شناخت عناصر کالبدی این مجموعه، در سه قالب عناصر اصلی، فرعی و تزئینی بررسی شده‌اند: عناصری که نقش اصلی را در شکل دادن به فضای معماری و برپاماندن کالبد بنا ایفا می‌کنند و عناصری که وجود آنها در عملکرد بهتر و صحیح‌تر ساختمان اهمیت دارند. مؤلفان در روند کار، این اجزا را از نظر شکل، مصالح، فن‌آوری ساخت و... در هر دو قسمت آرامگاه و خانقاه مورد توجه قرار داده‌اند.

تبیین ارزش‌های بنا

در رابطه با شناخت هر اثر تاریخی، پرسش‌هایی در رابطه با کیفیت معماری یا نقش اجتماعی - فرهنگی آن اثر مطرح می‌شود. برخی از پرسش‌ها و پاسخ به آنها روشن‌کننده‌ی ویژگی‌ها و ارزش‌های کالبدی است که آن‌ها را ارزش‌های عینی یا درونی می‌نامیم، در پاسخ به پرسش‌هایی از طرح معماری، مصالح به کار رفته و فن‌شناسی ساخت نهفته‌اند. در آن سو پاسخ به پرسش‌هایی از نقش اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود که بیان‌گزارش‌هایی هستند که آن‌ها را بیرونی می‌نامیم. البته بخشی از این ارزش‌ها ذهنی بوده چرا که در نمود خود به عواطف و خاطرات ذهنی مخاطب اثر مربوط می‌شوند. مؤلفان با اشاره به نکته‌ی بالا این ارزش‌ها را این‌گونه برشمرده‌اند: ارزش‌های هویت بخشی، ارزش‌های کمیاب بودن، ارزش زمانی، ارزش‌های فنی.

هم‌چنین به این نکته تأکید شده است: که در فرآیند مرمت و احیای یک بنا یا مجموعه‌ی ساختمانی، آنچه در شناخت بهتر از ارزش‌های ذهنی یا عینی بنا مهم می‌نماید، تأثیر آنها در ارائه‌ی راهبردها و تعیین چگونگی برخورد با اثر است. این امر به ویژه در زمینه‌ی احیاء و مرحله‌ی طراحی در جوار اثر تاریخی بسیار اهمیت دارد. (ص ۷۲)

توجه به مطالب بخش «شناخت» در کتاب و هم‌چنین نکته‌های فوق، ارزش‌های درونی و بیرونی اثر چنین برشمرده شده است:

- مجموعه‌ی خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو، از طرح ویژه‌ی خانقاه‌های سلسله مولویه برخوردارند که در محدوده‌ی ایران فعلی منحصر به فرد است.

- استفاده از سنگ همراه با ملات گچ، شیوه‌ی ساخت این بنا می‌باشد.

- ساخت ستون‌ها و جداره‌های پیرامون حیاط خانقاه به صورت مایل، فن‌آوری ساخت نادری است که در این بنا به کار رفته است.

- بنا از تزئینات خاص دوره‌ی ایلخانی برخوردار است از جمله در ایوان جنوبی خانقاه و سردر آرامگاه.

- در محدوده‌ی مرزهای کنونی ایران، این خانقاه کهن‌ترین آن‌ها و تنها نمونه از خانقاه‌های سلسله مولویه در ایران است.

- فرض تأسیس این بنا توسط چلبی اوغلو نوه‌ی مولانا جلال‌الدین رومی یا تعلق داشتن آرامگاه به براق بابا از مشایخ صوفیه، هم‌چنین ارتباط بنا با افراد مهم دیگری چون محمد جوینی (که در کتیبه‌ی بنا آمده) بر اعتبار آن می‌افزاید.

- این مجموعه را می‌توان یادآور دوران فترت (پس از حمله مغول به ایران) نامید.

- این بنا تنها یکی از دو بنای باقی مانده از مجموعه‌ی باشکوه ساختمانی شهر سلطانیه در دوره‌ی ایلخانی است.

- با توجه به پتانسیل‌های این بنا، در صورت حفاظت و احیاء می‌تواند مخاطبان بسیاری پیدا کند.

بیماری‌شناسی

از جمله مهم‌ترین بخش یک پروژه‌ی مرمت شناخت دقیق و کامل آسیب‌های وارد شده به بنا قبل از هر اقدام مرمتی است. بنابراین کنترل عوامل مخل و آسیب‌رسان اولیه و ثانویه نخستین گام در جهت مرمت و حفظ و نگهداری بنا به شمار می‌رود.

مؤلفان با اشاره به عوامل آسیب‌رسان و بررسی دقیق آنها، برای آشنایی با چگونگی کار ابتدا نمونه‌هایی از مجموعه مطالعات صورت گرفته، در زمینه‌ی شناخت آسیب‌های وارد شده و عوامل آسیب‌رسان به بنا، به اختصار معرفی و سپس برای جلوگیری از طولانی‌شدن مطلب، به نتایجی از مطالعات تفصیلی، در قالب جدول‌های آسیب‌شناسی بسنده شده است. حاصل آن شناخت و دسته‌بندی عوامل آسیب‌رسان و عوارض ناشی از آن‌ها است که خود مقدمه‌ای برای اتخاذ تدابیر مرمتی به شمار می‌رود. مؤلفان با اشاره به عدم تعادل در دیواره شرقی ایوان جنوبی، رطوبت، تغییر فرم بدنه دیوارهای جمع‌خانه شرقی، تخریب دیوار حیاط آرامگاه، تخریب دیوارهای جمع‌خانه غربی، پوسیدگی تیرهای چوبی نعل درگاه‌ها، اشتباه در مرمت، برای جمع‌بندی موضوع جدول‌های آسیب‌شناسی بنا را نیز ارائه داده‌اند. با طرح عوامل آسیب‌رسان و آسیب‌ها، خواننده متمرکز بر این امر شده است که در مجموعه‌ی آرامگاه و خانقاه چلبی اوغلو هر دو گروه عوامل مخل انسانی و طبیعی صدماتی را به بنا وارد کرده‌اند. بنابراین در جمع‌بندی موضوع، ابتدا عمده‌ترین عوامل آسیب‌رسان و آن‌گاه مهم‌ترین آسیب‌های وارد شده به بنا مورد

توجه قرار گرفته است، چنان چه تاریخ‌زدگی، زلزله، ریزش‌ها، سقف‌ها، عامل‌های گیاهی و بیولوژیکی، انجام مرمت‌های نادرست در بنا، عدم نگهداری مناسب از بنا به عنوان عمده‌ترین عامل‌های آسیب‌رسان ترک و شکستگی، پودرشدن و فاسدشدن مصالح، ساییدگی و فرسایش عناصر و مصالح، تغییر شکل عنصرهای ساختمانی، تغییر سیما در اثر عملکرد انسانی، و تخریب کامل به مثابه آسیب‌های عمده اشاره شده است.

بخش دوم: درمان

ارائه‌ی سیاست‌های درمان

در این گفتار با توجه به ویژگی‌های ساختاری هر یک از بخش‌های بنا به تفکیک برای هر بخش سیاست‌های درمانی ارائه می‌شود. بنابراین برای دسته‌بندی بخش‌های مختلف بنا معیارهایی مورد توجه قرار گرفته است از جمله دوره‌ی ساخت، وضعیت سلامت و خوانایی هر قسمت - از نظر طرح، مصالح و... که معیارهایی کلی بوده و با کمک آنها می‌توان برای ساختارهایی با ویژگی‌های مشابه سیاست‌های درمانی ارائه داد. در بخش «شناخت» اشاره می‌شود که ساختار کلی بنا به لحاظ زمان ساخت قابل تفکیک به سه بخش است:

- بخش‌هایی که مربوط به بازمانده‌های بنایی ساخته شده پیش از خانقاه است.

- بخش‌های اصیل و تاریخی که به دوره‌ی زمانی ساخت بنا تعلق دارند.
- بخش‌هایی از بنای اصلی که در سال‌های اخیر مرمت شده‌اند.

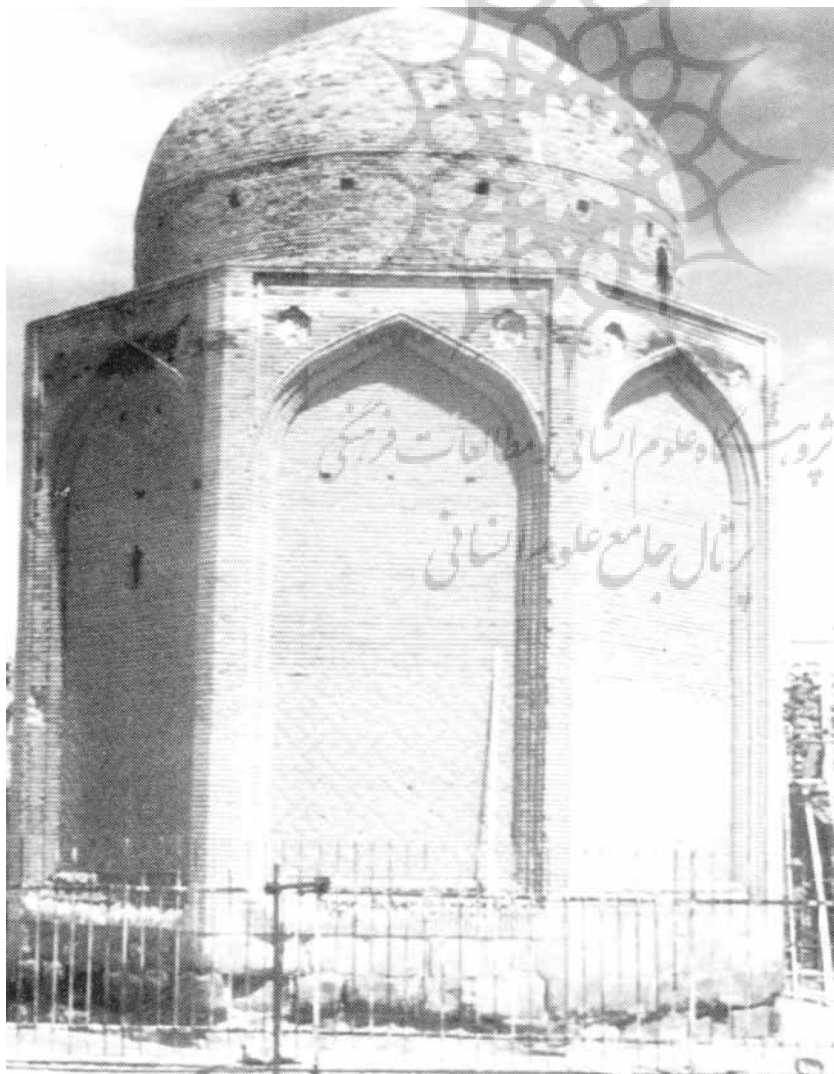
در مورد بخش نخست سیاست کلی درمان بر حفاظت استوار شده است. در مورد ساختار دوم که بخش عمده‌ی مجموعه را دربر می‌گیرد و چگونگی برخورد با این ساختار، مؤلفان بر این باورند که ابتدا می‌توان هر یک از عناصر بنا را از نظر وضعیت سلامت به سه بخش سالم، آسیب دیده و تخریب شده به لحاظ میزان خوانایی مشخص کرد. بدین ترتیب در یک ماتریس وضعیت هر قسمت را مشخص و در مورد هر قسمت سیاست‌های درمان و راهکارهای عمومی ارائه داد. ساختار سوم نیز دربرگیرنده‌ی همه‌ی ساخت و سازهایی است که از نظر زمانی از دوره‌ی ساخت بنا متأخرترند و بخش اعظم آنها به مرمت‌های صورت گرفته طی سه دهه‌ی اخیر تعلق دارند.

در بخش شناخت به این نکته اشاره می‌شود که این قسمت‌ها را می‌توان از نظر مصالح مورد استفاده در آنها، تکنیک ساخت و اسناد و مدارک بر جای مانده تشخیص داد. اما برای انتخاب رویکرد

درمانی مناسب باید عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این بخش را طبق معیارهایی طبقه‌بندی کرد. در واقع این قسمت‌ها را می‌توان از نظر صحت کار مرمت به دو گروه مرمت درست و مرمت نادرست تقسیم کرد.

به نظر مؤلفان پس از ارزش‌یابی قسمت‌های مختلف بنا، به تناسب هر بخش را می‌توان راهبردهای درمان اتخاذ کرد. مجموع این سیاست‌ها هدف واحدی را پی می‌گیرد و آن حفظ تصویر حقیقی و تاریخی بنا و دوری از هرگونه تغییر مخدوش‌کننده‌ی این تصویر است. به همین دلیل، در همه‌ی مراحل عملیات، مرمت، بازسازی، توانبخشی و... باید راهکارهای کلی در نظر گرفت که حفظ هدف کلی را تضمین کند. (ص ۱۰۱)

اما قبل از اینکه خواننده به گفتار بعدی و بحث عملیات مرمت و بازسازی وارد شود، به‌طور خلاصه با اهم این راهکارها آشنا می‌شود. در گفتار دوم و در بحث حفاظت، مرمت و بازسازی، مؤلفان پس از اشاره به انجام اقدامات حفاظتی، اطمینان از رفع خطر، در چارچوب سیاست‌های کلی و مبانی نظری اقدامات مرمتی در بنا انجام می‌دهند: مقابله با نم بالارونده در جرزهای مجموعه، مقابله با نم پایین رونده از جزرها و سقف مجموعه، نمایان‌سازی خطاهای مرمت‌های پیشین،



منظره عمومی بنای آرامگاه چلبی اوغلو



مدیریت احیاء به احتمال زیاد تغییراتی در بنا به‌خصوص در آرایش اسباب و اثاثیه و وضعیت فضاهای داخلی صورت می‌گیرد و بخش زیادی از طرح احیاء عملاً بی‌نتیجه خواهد ماند. (ص ۱۳۶)

در گفتار حاضر طرح احیاء خانقاه چلبی اوغلو در دو بخش برنامه‌ریزی و طراحی (شامل طراحی فضاهای الحاقی، طراحی عناصر الحاقی، مبلمان و تجهیزات و طرح فضای باز مجموعه) ارائه شده است.

گفتار پایانی

کتاب و مباحث مطرح شده، حاصل حدود هفت سال عملیات مطالعاتی، طراحی و اجرا در مجموعه‌ی چلبی اوغلو است و بخش عمده‌ای از بخش‌های پروژه به جهت جلوگیری از طولانی شدن مطالب حذف شده است. گزارش حاضر بیانگر آن است که در بسیاری از اقدام‌های انجام گرفته، به ویژه در روش‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرمت، احیاء و طراحی ائانه مجموعه، مسیری جدید پیموده و شیوه‌های متفاوتی پیش گرفته شده است. در این مسیر، برجسته‌شدن سیاست‌گذاری‌ها و مباحث نظری و اهمیت بخشیدن به مبانی فکری و انتخاب روش‌های درست در هرگونه مداخله در آثار تاریخی است. در گزارش حاضر، افزون بر ثبت دخالت‌های صورت گرفته در این بنا، تجربه‌های حاصل می‌تواند در اقدام‌های مرمتی آینده در بناهای تاریخی کشور ادامه پیدا کند و نقائص احتمالی آن برطرف شود. این مجموعه در سال ۱۳۸۷ با اینکه در برخی از قسمت‌های طرح مرمت و احیاء، بخش‌هایی نظیر ایوان جنوبی و جمع‌خانه‌های خانقاه و برخی از ائانه داخلی و خارجی طراحی شده مجموعه به مرحله‌ی اجرا نرسیده، افتتاح و بهره‌برداری از آن صورت گرفته است.

مرمت دیوار رانش یافته جمع‌خانه شرقی، تقویت پای تاق‌ها در دیوار جمع‌خانه‌ها، تقویت پی پایه شرقی ایوان جنوبی، اتصال دیوار ایوان جنوبی به جمع‌خانه شرقی، مرمت دیوار جنوبی جمع‌خانه غربی، مرمت دیوار شمالی جمع‌خانه غربی، مرمت و بازسازی نعل درگاه‌های چوبی، بازسازی دیوار حیاط آرامگاه، بازسازی بخش‌هایی از طبقه فوقانی خانقاه، تعویض کلید بندکشی‌ها، ترمیم اندود نماها، اصلاح نازک‌کاری سقف چله‌نشین‌ها، جمع‌آوری آب‌های سطحی از صحن.

احیاء

گفتار سوم بخش دوم به احیا پرداخته است. باید دانست که هدف اصلی احیاء حفظ کالبد بنا و روح تاریخی آن است و اعتبار یک طرح احیاء در مجموعه‌ی «فرایند برنامه‌ریزی و ارائه‌ی طرح‌های معماری» به چگونگی حفظ اصالت‌های بنا و حتی تقویت آنها وابسته است. اما برای رسیدن به طرح مناسب علاوه بر داشتن کارکردی مناسب که عرصه‌های فعالیتی آن امکان تطبیق با کالبد بنا را داشته باشد همچنین باید شأن فرهنگی - اجتماعی اثر را نیز حفظ و در ضمن عملکرد جدید با توجه به پتانسیل‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در مکان انتخاب شود تا بتواند موجب تجدید حیات و رونق بنا شود.

به گفته‌ی مؤلفان، موضوع مهم دیگری که در طرح احیاء باید به آن توجه کرد آن است که در زمینه‌ی طراحی فضاها و عرصه‌های جدید یا عناصر الحاقی و حتی طراحی فضاهای بازنگر، دیدگاه کلی «حفظ اثر و تقویت ویژگی‌های آن» را در نظر گرفت. از طرفی طرح احیاء زمانی کارآ خواهد بود که در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و طراحی، با مدیریت طرح احیاء هماهنگ باشد، در غیر این صورت پس از تحویل بنا به بهره‌بردار یا